

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال یازدهم، شماره بیست و دو، بهار ۹۹، صفحات ۱-۲۶

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۵/۰۸

نقش ابریشم گیلان در روابط خارجی ایران عصر قاجار

عباس پناهی^۱

چکیده

با وجود آنکه گیلان از توانایی اقتصادی و تولیدی در سایر محصولات اقتصادی نیز برخوردار است، اما به جهت اهمیت ابریشم در اقتصاد گیلان و ایران، به‌ویژه صادرات این محصول به کشورهای خارجی، سبب توجه حکومت‌های مرکزی ایران و سایر کشورها به ابریشم گیلان شد. دوران اوج تجارت ابریشم ایران و گیلان، عصر صفویه بود؛ با این حال، در دوره قاجاریه نیز هنوز ابریشم بخش عمده‌ای از کالاهای صادراتی ایران را تشکیل می‌داد. مهم‌ترین عاملی که موجب توجه بیشتر اروپاییان در این دوره به ابریشم گیلان شده بود، رواج بیماری کرم ابریشم در اروپا و کمبود این محصول در آنجا بود. اما به جهت تسلط روسیه بر مناطق ابریشم‌خیز شمال ایران، انحصار تجارت این کالا عملاً در اختیار روس‌ها بود. انگلیسی‌ها نیز تلاش داشتند با واسطه بر این کالای ارزشمند دست یابند؛ از این رو، سایر کشورهای اروپایی قادر به تجارت ابریشم ایران در این دوره نبودند. انحصار تجارت ابریشم توسط روس‌ها و انگلیسی‌ها موجب شد تا معیشت بازرگانان و تولیدکنندگان ابریشم ایران عصر قاجار به نوعی وابسته به تجارتخانه‌ها و سیاست‌های این دو دولت شود. هدف از پژوهش پیش رو، تحلیل نقش صنعت ابریشم گیلان و تأثیر آن بر روابط انگلستان و روسیه با ایران عصر قاجار، با تکیه بر مطالعات اسنادی و تاریخی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، با توجه به اهمیت ابریشم، برخی از کشمکش‌های سیاسی دولت‌های روسیه و انگلستان در ایران، جهت کنترل بر اقتصاد و تجارت این محصول بوده است. این تجارت انحصاری موجب شد تا سایر کشورها قادر به رقابت با این دو قدرت جهانی در زمینه تجارت ابریشم نباشند. در نهایت سیاست‌های دو کشور یاد شده زمینه‌های ضعف ابریشم گیلان را فراهم نمود. **واژه‌های کلیدی:** ابریشم، ایران، انگلستان، روابط خارجی، روسیه، گیلان، قاجار.

The Role of Silk of Guilan in the Foreign Affairs of Iran during the Qajar Era

A. Panahi^۱

Abstract

Although Gilan had economic and production potentials in other economic products, due to the importance of silk in the economy of Gilan and Iran, especially the export of this product to the foreign countries, the central governments of Iran and other countries paid attention to Gilan silk. The peak period of the silk trade in Iran and Gilan was the Safavid era. However, in the Qajar period, silk was still a major part of the Iran's goods exports. The most important factor that caused the Europeans to pay more attention to Gilan silk during this period was the prevalence of silkworm disease in Europe and the shortages of this product there. But due to the dominance of Russia over silk-producing areas of northern Iran, the monopoly of trade in this commodity was practically in the hands of the Russians. The British also tried to obtain this valuable commodity through intermediaries. Hence, other European countries were not able to trade in Iranian silk during this period. The monopoly of the silk trade by the Russians and the British caused the livelihood of the silk merchants and producers of Qajar Iran to become somewhat dependent on the trading houses and the policies of these two governments. The purpose of this study is to analyze the role of Gilan silk industry and its impact on British-Russian relations with Iran in the Qajar era relying on documentary and historical studies. Findings show that, due to the importance of silk, some of the political conflicts between the Russian and British governments in Iran have been to control the economy and trade of this product. This monopoly trade made it impossible for the other countries to compete with these two world powers in the field of silk trade. Finally, the policies of the two countries provided the grounds for the weaknesses of Gilan silk.

Keywords: Silk, Persia, England, Foreign Affairs, Russia, Guilan, Qaja.

^۱ . Associate Professor, University of Gilan, Gilan-Iran

ab.panahi76@gmail.com

مقدمه

ابریشم با اقتصاد و فرهنگ مردم برخی از کشورهای آسیایی به ویژه ایران، چین، ژاپن و هند پیوند زیادی دارد. از سوی دیگر، ابریشم در طول تاریخ شرق، به عنوان یک کالای اقتصادی ارزشمند مورد توجه شهریاران و طبقات مرفه اجتماعی بوده است. در حقیقت حاکمان از بهره‌کشی مردم جهت تولید ابریشم برای تثبیت سطره استبدادی خود سود می‌جستند. به همین سبب، پرورش و تولید پارچه‌های فاخر ابریشمی بسیار مورد توجه امپراطوری‌های ملت‌های شرقی قرار گرفت. هرچند براساس اسناد مکتوب، مبلغان مذهبی و ماجراجویان، نخستین گروه‌های غربی بودند که به مشرق‌زمین سفر کردند، اما دیری نپایید که زیبایی نقوش پارچه‌های زربفت شرقی که حاصل کار هنروران شرق به ویژه ایران بود، انگیزه اصلی سفرهای تجاری به مشرق شد. در زمان کوتاهی، مشهورترین مسیر تجارت بین‌المللی تاریخ موسوم به جاده ابریشم^۱، شرق را به غرب متصل کرد و ایران، مهم‌ترین بازار ترانزیت اقتصادی ابریشم شد. اهمیت اقتصادی ابریشم به ویژه در دو دوره صفویه و حتی عصر قاجار، به دلیل افزایش تقاضای بازار جهانی رونق ویژه‌ای یافت؛ تا جایی که در اتخاذ سیاست‌ها و روابط قدرت‌های جهانی آن روز در رابطه با ایران نیز نقش مهمی ایفا نمود. از این‌رو، پژوهش پیش‌رو در پی پاسخ به این پرسش است که صنعت ابریشم در روابط اقتصادی و سیاسی ایران عصر قاجار با دولت‌های روسیه و انگلستان تا چه میزان تأثیرگذار بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش، مبنای بحث با توجه به مراودات ایران با روسیه و انگلستان مورد مطالعه قرار خواهد گرفت؛ زیرا به نظر می‌رسد روسیه به دلیل همجواری با جغرافیای ابریشم‌خیز ایران - گیلان - به این کالا توجه ویژه نشان داده است و انگلستان نیز به جهت اینکه تجارت دریایی خلیج فارس را در اختیار خود داشت و علاوه بر صادرات بخشی از ابریشم از بنادر جنوبی ایران، در بخش‌های مرکزی ایران نیز در تولید پپله ابریشم در صنایع ابریشمی فعال بود. در نتیجه، عوامل فوق موجب شد تا انگلیسی‌ها و روس‌ها علاوه بر دعوای استراتژیک درباره ایران، برای تسلط بر تجارت ابریشم نیز رقابت گسترده‌ای با یکدیگر در این دوره داشته باشند. روش پژوهش حاضر با رویکرد تاریخی به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد آرشیوی انجام گرفته است.

۱. Silk road

پیشینه پژوهش

درباره پیشینه پژوهش می‌توان به تحقیقات متعددی در زمینه ابریشم گیلان در دوره‌های مختلف تاریخی به‌ویژه عصر صفوی اشاره کرد. داده‌های تاریخی و اقتصادی درباره ابریشم گیلان عصر قاجار به دو دسته تقسیم می‌شود. نخست اسناد تاریخی، گزارش‌های سفرنامه‌ها و متون تاریخی و دوم، مقاله‌هایی که در این زمینه نگارش شده است. جمال‌زاده در کتاب *گنج شایگان* بر مبنای گزارش‌های مالی، به بررسی تولید و تجارت ابریشم گیلان در این دوره پرداخته است. همچنین، لافون و رابینو در کتاب *صنعت نوغان در ایران*، رابینو در *ولایات دارالمرز گیلان* و حوچکو در کتاب *نامه‌های گیلان*، درباره تجارت ابریشم گیلان و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران گزارش‌های مفیدی ارائه کرده‌اند. چارلز عیسوی نیز در کتاب *تاریخ اقتصادی ایران* به تأثیر ابریشم بر اقتصاد ایران پرداخته است. سفرنامه‌های اروپاییان عصر قاجار به ویژه گزارش‌های روس‌ها و انگلیسی‌ها مخصوصاً لرد کرزن در کتاب *ایران و قضیه ایران* هم مطالب مفصلی از ابریشم گیلان ارائه داده است. اما مهم‌ترین مجموعه اسناد مربوط به تجارت ابریشم گیلان، مجموعه مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه و مجلس شورای ملی است که گنجینه‌های ارزشمندی از اسناد ابریشم در این زمینه در اختیار دارند. در زمینه نگارش مقالات علمی - پژوهشی نیز رحمان حسنی با دو مقاله «تجارت ابریشم دوره قاجار» و مقاله «تحقیقات تاریخی: ابریشم در عصر قاجار و تجارت آن از طریق دریای خزر با تکیه بر اسناد آرشیوی (۱۳۴۳-۱۳۲۷ق. ۱۸۲۸-۱۹۰۹م)» به بررسی و تجزیه و تحلیل ابریشم در سراسر ایران و نتایج حاصل از آن پرداخته است.

با وجود گزارش‌های تاریخی، اسناد و مقاله‌های یاد شده، پژوهش مستقلی در زمینه ابریشم گیلان و تأثیر آن بر سیاست‌های خارجی به‌ویژه سوگیری‌های سیاسی و تجاری روسیه در ایران و بازتاب آن بر سیاست‌های انگلستان، انجام نشده است. تنها مقاله‌ای که در ارتباط با ابریشم گیلان به صورت مستقل پژوهش شده است، مقاله «ابریشم گیلان عصر صفویه» توسط جهانبخش ثواقب است. البته مقالات دیگری نیز در این مورد درباره عصر صفویه نگارش شده است، اما درباره ابریشم گیلان در عصر قاجار و تولید و تجارت آن

پژوهشی مستقل انجام نگرفته است. نگارنده با مطالعه پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، علاوه بر استفاده از اسناد، از داده‌های منابع تاریخی و سفرنامه‌ها به تأکید نقش ابریشم گیلان در مناسبات خارجی عصر قاجار پرداخته است. هرچند در یکی دو مورد از مقالات پژوهشی در زمینه ابریشم مانند مقاله‌های آقای رحمان حسنی به این مورد به صورت جزئی و گذرا پرداخته شده است، اما تأکید پژوهش ایشان بر اسناد آرشیوی مرکز اسناد دیپلماسی و قلمرو جغرافیایی مورد بررسی‌شان، سراسر ایران و منابع محدودی در این زمینه بوده است. در حالی که پژوهش حاضر، ضمن تأکید بر نقش ابریشم گیلان در روابط خارجی ایران و همچنین تأثیر آن بر فراز و فرود این صنعت در گیلان، از زوایه نقش دولت‌های بزرگ در تجارت ابریشم گیلان به این موضوع پرداخته است.

نقش و تأثیر ابریشم ایران در تجارت جهانی

به دلیل موقعیت جغرافیایی و آب‌وهوایی کرانه‌های جنوبی دریای کاسپین و زمینه‌های مناسب رشد و پرورش درخت توت از دیرباز، بخشی از مناطق شمالی و نیز مرکزی ایران در زمینه پرورش کرم ابریشم و ایجاد توتستان‌ها مطلوبیت ویژه‌ای داشت. در نتیجه با پرورش و تولید ابریشم، بافندگان گیلانی توانستند ابریشم خام را تبدیل به کلایی ارزشمند نمایند و به بازارهای جهانی عرضه کنند. دیری نپایید که ابریشم، مهم‌ترین کالای تجاری ایران‌زمین، مورد توجه حاکمان مرکزی ایران قرار گرفت. این نکته در همه سفرنامه‌ها و متون جغرافیایی که درباره رشت و گیلان اشاره داشته‌اند، به چشم می‌خورد (ناصرالسلطنه، ۱۳۹۰: ۶۶). اوج رونق و شکوفایی ابریشم به عنوان کالایی استراتژیک، به عصر صفوی باز می‌گردد. شاردن، ابریشم را کالای عمده تجاری ایران می‌داند و پارچه‌های متنوعی که در کارگاه‌های ایران تولید می‌شود را به عنوان کلایی ارزشمند یاد می‌کند (شاردن، ۱۳۵۰: ۱/۸۶ و ۸۸). بوهلر انگلیسی نیز در عصر قاجار، ضمن شرح مشاهداتش از اقتصاد گیلان، از ابریشم به عنوان یکی از مهم‌ترین تولیدات اقتصادی این سرزمین یاد می‌کند (بوهلر، ۱۳۹۰: ۲۸). هولمز نیز گزارش مفصلی درباره تولید و تجارت ابریشم و اهمیت آن در نظام اقتصادی این ایالت و همچنین توجه کشورهای خارجی نسبت به ابریشم در سفرنامه‌اش ارائه می‌دهد (هولمز، ۱۳۹۰: ۸۵-۹۵).

کسب منافع از بازار تجاری ابریشم ایران، نخستین انگیزه ایجاد رقابت سیاسی دولت‌های غربی بود و همین انگیزه سبب شد تا کمپانی هند شرقی انگلستان از آغاز سال ۱۶۶۴م. در اصفهان، شیراز و بندرعباس، نمایندگی‌هایی دایر کند (شیبانی، ۱۳۹۳: ۲۳). در شمال ایران، روسیه به دلیل همجواری با ایران و تسلط بر راه تجاری پراهمیت دریای کاسپین به اروپا، توانست انحصار این مسیر تجاری و تسلط بر تجارت ابریشم شمال ایران را در اختیار خود قرار دهد (panahi&Hassan Kohansal, 2012, Vol. 10, pp. 123-125). روس‌ها با ایجاد کارخانه ابریشم بافی در اوایل سده هجدهم م، به اهمیت اقتصادی ابریشم خام گیلان واقف شدند. در فرمانی از پتر اول به آوراموف و باسکاکوف درباره خرید ابریشم در ژوئن ۱۷۲۱، تأکید شده است که نمایندگان پتر تلاش می‌کردند زمینه تجارت پيله خام گیلان و انتقال آن برای تأمین صنایع ابریشم‌بافی روسیه را فراهم کنند (مسلمانیان قبادیانی، ۱۳۷۸: ۱۷ و ۱۸).

در دوره قاجار، وضعیت صنعت ابریشم تحت تأثیر تحولات صنعتی غرب قرار گرفت. بنابراین با صنعتی شدن اروپا، شرق به عنوان تولیدکننده مواد خام بار دیگر مورد توجه بازرگانان اروپایی قرار گرفت. در این رقابت، که توسعه اقتصادی توأم با سیاست استعماری بود، انگلستان با مستعمره قرار دادن هندوستان توانست قدرت اول اقتصادی جهان شود. نتیجه، بریتانیا به عنوان یکی از قدرت‌های برتر اروپا، به روسیه به عنوان همسایه شمالی ایران و رقیب نیرومندی در سیاست و تجارت ایران می‌نگریست.

با وجود کاهش تولید ابریشم گیلان در این دوره در مقایسه با دوره صفوی، گزارش‌ها نشان می‌دهد که همچنان ابریشم از مهم‌ترین تولیدات اقتصادی این سرزمین در عصر قاجار بوده است (عزالدوله - ملگونف، ۱۳۶۳: ۸۶ و ۱۹۵).

وضعیت ابریشم در اقتصاد عصر قاجار

با وجود اینکه علاوه بر گیلان، در برخی دیگر از ایالات و ولایات ایران عصر قاجار نظیر مازندران، استرآباد، کاشان، اصفهان، خراسان و مناطق دیگر ابریشم تولید می‌شد، اما بنا بر گزارش‌ها و اسناد برجای مانده، گیلان به تنهایی بیش از هشتاد درصد از سهم ابریشم خام ایران را بر عهده داشت (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۶-۳-

۱۲۵۲ق.) با وجود اهمیت گیلان در تولید ابریشم خام، تولید و تجارت ابریشم گیلان دستخوش حوادث سیاسی و بین‌المللی شد.

با شروع سده نوزدهم میلادی و با وجود تداوم تولید مواد خام به ویژه در زمینه تولید پپله ابریشم، صنایع خانگی و کوچک ایران به جهت عدم توانایی در رقابت با کالاهای صنعتی غرب، در بیشتر عرصه‌ها در خطر نابودی قرار گرفت. به گزارش پولاک که در سال‌های ۱۸۵۱م تا ۱۸۶۰م. یعنی دو سده بعد از ورود شاردن به ایران سفر نمود، تا این زمان تحولی اساسی در زمینه صنایع ایران صورت نگرفته بود. وی دلایل این رکود صنعتی را فقدان امنیت و جنگ‌های مدام خانگی در دوره‌های تاریخی عنوان می‌کند (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۷۸). با وجود ضعف روزافزون در حوزه صنایع ایران، اما تولید و تجارت ابریشم هم‌چنان وضعیت مطلوب‌تری داشت و در اروپا با افزایش تقاضا روبه‌رو بود. به همین سبب، بهای ابریشم در این دوره افزایش یافت. این مسأله موجب رونق تجارت ابریشم ایران شد. به عقیده عیسوی: «تولید ابریشم در نیمه اول قرن نوزدهم رشد زیادی داشت. در سال ۱۸۴۰م. / ۱۲۵۶ق. مقدار محصول ابریشم گیلان پنج ششم کل محصول ایران (یک میلیون پوند) بود که ارزش آن نزدیک به ۵۰۰ هزار لیره تخمین زده شد» (عیسوی، ۱۳۶۹: ۳۵۵). بنا بر گزارش کرزن، میزان تولید محصول ابریشم در سال ۱۸۶۴م. به بالاترین مقدار خود رسید، اما به یک‌باره در نیمه دوم سده نوزدهم تولید ابریشم ایران کاهش یافت. علت این مسأله به روایت کرزن، وارد نمودن تخم‌های نوغان آلوده به ایران بوده است (کرزن، ۱۳۸۰: ۴۸۵). رکود ابریشم خسارت‌های اقتصادی بسیاری به بار آورد. به همین دلیل، به نقل از بسیاری از سیاحان و گزارش‌نویسان این دوره، این مسأله سبب تغییر کاربری توستان‌ها به نفع گسترش کشتزارهای برنج، زیتون و توتون شد. کرزن به رواج کشت زیتون، خشخاش و توتون در گیلان اشاره دارد (همان). علاوه بر عوامل یاد شده، یکی از دلایلی که بر رونق ابریشم و نوغانداری در گیلان ضربه وارد کرد، بیماری‌های واگیردار همانند وبا و طاعون در گیلان بود که جان هزاران نفر را می‌گرفت. خیلی از افراد، خانه و کسب و کار خود را رها کرده بودند و دیگر در آن منطقه زندگی نمی‌کردند. این بیماری‌ها بر کسب و کار و تجارت در گیلان نیز ضربه‌های جبران‌ناپذیری وارد نمود. به گزارش فریزر، این مسأله بر تولید و تجارت ابریشم در گیلان صدمات جبران‌ناپذیری وارد کرد (فریزر، ۱۳۶۴: ۵۴۳ و ۵۷۴).

هرچند صنعت ابریشم در دوره قاجار با فراز و نشیب‌های بسیاری مواجه شد، اما تا پایان این دوره ابریشم همچنان ارزش خود را حفظ نمود و با وجود نوسانات ناشی از موقعیت سیاسی و اجتماعی آن زمان به فعالیت خود ادامه داد. در این زمان محمودخان ناصرالملک، گام‌هایی در جهت رونق ابریشم برداشت (جمالزاده، ۱۳۹۲: ۸۳). با ورود جعبه‌های تخم نوغان و توزیع آن‌ها، پرورش کرم‌ها در تلمبارها و تهیه پيله و ابریشم به روال گذشته دنبال شد. کارخانه‌های موجود در رشت و سایر شهرستان‌ها همچنان پيله‌ها را از نوغاندارها خریداری می‌کردند و در دستگاه‌های خفه‌کن و خشک‌کن برای ابریشم‌کشی آماده می‌ساختند. با شروع جنگ جهانی اول و حوادثی که در ایران و گیلان روی داد، روند تولید و تجارت ابریشم تحت تأثیر آن قرار گرفت و با چالش روبه‌رو شد.

نقش عوامل خارجی بر صنعت ابریشم در عصر قاجار

با آغاز سلطنت قاجار، همان‌گونه که از نظر سیاسی، ایران دستخوش تحولات سیاسی مهمی شد، در حوزه اقتصادی نیز بنیان‌های اقتصادی این کشور دستخوش تغییرات عمده گشت. در نتیجه، هر دو عامل سیاسی و اقتصادی بر قوت و ضعف صنعت ابریشم گیلان تأثیرگذار شد.

مهم‌ترین چالش صنعت ابریشم در عصر قاجار، بروز آفت توتستان‌ها و بیماری‌های کرم ابریشم موسوم به پیرین^۱ و موسکاردین^۲ در ابتدای قرن نوزدهم بود. اورسل به بیماری کرم ابریشم گیلان و شباهت آن با بیماری ابریشم اروپا اشاره می‌کند و می‌نویسد: «بیماری کرم ابریشم در گیلان نظیر آفتی بود که در چند منطقه تاک‌خیز فرانسه به جان تاکستان‌ها افتاد» (اورسل، ۱۳۷۹: ۷۲). تولیدکنندگان و فروشندگان بسیاری جان خود را از دست دادند و این مسأله بر تولید و تجارت ابریشم لطماتی جبران‌ناپذیر وارد کرد.

گسترش بیماری ابریشم در اروپا موجب افزایش تقاضای ابریشم ایران در بازار جهانی و رشد آن در این زمان گشت. بر اساس گزارش‌های به دست آمده، اوج تولید ابریشم خام ایران در این زمان بوده است و مقدار آن دویست و هشتاد هزار کیلوگرم بوده است (آدمیت،

۱. pebrin

۲. moskardin

۱۳۶۵: ۲۸۰). گزارش آماری لافون و رایینو نشان‌دهنده اهمیت تولید ابریشم خام در گیلان عصر قاجار بوده است. به گفته آنان، در سال ۱۸۶۵ م./۱۲۸۲ ق. میزان ابریشم تولیدی ۲۲۰ تن بوده است. دوازده سال بعد یعنی در سال ۱۸۸۷ م./۱۳۰۵ ق. این میزان، ۱۵۲ تن کاهش پیدا کرد، اما به جهت تدابیری که اتخاذ شد، دوباره در سال ۱۸۹۰ م./۱۳۰۸ به ۲۱۰ تن افزایش یافت و سرانجام در اوایل سده بیستم یعنی سال ۱۹۰۰ م./۱۳۱۸ ق. تولید ابریشم به ۴۵۰ تن رسید (لافون و ه.ل رایینو، ۱۳۷۱: ۱۰۱). با وجود این، دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۰۲ م./۱۳۲۰ ق. به گزارش سفارت ایران در واشنگتن، میزان تولید ابریشم خام به نهصد و یازده هزار و سیصد کیلوگرم ترقی یافت و همچنین در سال‌های بعد مقادیر ارزشمندی پارچه بافته شده ابریشم از ایران صادر شد (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، سند شماره ۲۲-۵-۲۵-۱۳۲۳). کوچکو درخصوص نحوه تعیین قیمت ابریشم در یکی از اسناد خود در سال ۱۲۷۴ هـ.ق، گزارش مبسوطی ارائه داده است که به امضای برخی از تجار ابریشم درآمده است^۱ (نوزاد و علی امیری، ۱۳۹۱: ۲۱۸). تاجر معروفی نظیر آقامحمد تاجر شیروانی، محمدعلی تاجر شیروانی، غلامعلی رشتی و حاجی میرزا اسمعیل تاجر قزوینی نیز این سند را مهر کرده‌اند (نوزاد و علی امیری، همان: ۲۶۸).

یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش تولید ابریشم خام در اوایل سده بیستم، انحصار تجارت آن توسط روس‌ها، به جهت حمایت‌های مالی‌ای بود که بانک استقراضی روس از ابریشم جهت توسعه تجارت آن به عمل آورد. با توجه به گسترش تجارت ابریشم در این دوره، به نظر می‌رسد دو عامل مهم در دوره قاجار انگیزه بازرگانان اروپایی را جهت تجارت ابریشم در ایران افزایش داد. نخست اینکه جهت بازسازی توتستان‌ها، مقادیر بسیاری نهال وارد ایران شد و دیگر اینکه، ورود تخم نوغان به ایران به یک تجارت پرسود تبدیل شد. این مسأله موجب رقابت شدید بین تاجر اروپایی شد. شرکت‌های انگلیسی رالی و برادران در این عرصه پیشگام بودند و از سال ۱۸۶۹ م./۱۲۸۶ ق. کوشیدند تا از ژاپن نوغان وارد کنند (جمالزاده، ۱۳۹۲: ۲۷). اما رقابت ابریشم ژاپن و دیگر کشورها قیمت‌ها را در ایران پایین آورد؛ به

۱. مشهدی خداوردی، تاجر شیروانی که در تاریخ مسطور متن ابریشم وسط و اعلا از قرار یک من به وزن شاه مبلغ ده تومان سه هزار و چهار هزار بود. عبده خداوردی (نوزاد و علی امیری، همان: ۲۱۸).

گونه‌ای که صادرات آن از ۴۰۰ هزار لیبره بالاتر نرفت. مؤسسه بازرگانی رالی و انگلستو در سال ۱۸۱۸م، نخست در تبریز با حمایت روسیه مبادرت به تجارت ابریشم نمودند، سپس در سال ۱۸۶۰م، با تغییر تابعیت دو برادر از شرکای پنج نفره رالی [هرچند یونانی بود] به تابعیت انگلستان، مؤسسه آن‌ها تحت حمایت انگلیس درآمد. به نقل از دنیس رایت، رالی و انگلستو کمپانی مرکزی پرورونی در رشت مرکز گیلان به راه انداختند و ضمن واردات قماش از منچستر به ایران، ابریشم مناطق کرانه‌های دریای کاسپین را به خارج صادر می‌کردند. با وجود رونق تجارت ابریشم، موفقیت آن‌ها دیری نپایید و کمپانی پس از شکست‌های پی-درپی در زمینه تجارت ابریشم، در سال ۱۸۷۱م. ورشکسته شد. کمپانی زیگلر نیز در ابتدا به توصیه دفتر مرکزی خود، فعالیت‌هایش را منحصر به صدور ابریشم گیلان و واردات منسوجات نخی از منچستر نمود، اما مشکلات ارزی سبب شد تا شرکت فعالیت‌هایش را متوجه خرید فرش ایرانی نماید.

در این سال‌ها، با وجود فرازونشیب‌هایی که وجود داشت، تجارت تخم نوغان بیش از تجارت محصول نهایی ابریشم سود نصیب تجار ابریشم نمود. از طرفی، رکود و بیماری در حالی در صنعت نوغان رخ داد که معیشت بسیاری از مردم وابسته به ابریشم بود. بیماری نوغان در گیلان توأم با رکود اقتصادی و تحولات سیاسی بود و سبب فقر شدید مردم و ضرر بازرگانان گردید؛ تا جایی که ناصرالدین شاه برای رفع این مشکل دستور برکناری حاکم گیلان را داد. به موجب حکم وی، مجدالدوله از حکومت گیلان برکنار و میرزا سعیدخان، وزیر امور خارجه که تجربه زیادی در زمینه تجارت ابریشم داشت، جانشین وی گشت (رایینو، ۱۳۹۱: ۲۷). اما حکومت سعیدخان نیز نتایج مطلوبی به همراه نداشت و در دوره او نه تنها در معیشت مردم تغییری ایجاد نشد، بلکه طمع‌ورزی و منفعت‌طلبی تجارت تخم نوغان سبب ایجاد رقابت بیشتر در بین تجار وابسته به حکومت شد. در عصر مظفرالدین شاه (۱۳۱۲ - ۱۳۲۴ق.)، انحصار تهیه تخم نوغان از جانب این پادشاه برای مدت پنجاه سال در اختیار محتشم‌السلطنه اسفندیاری قرار گرفت و او نخستین کسی بود که به تأسیس مؤسسه نوغان اقدام کرد (لافون و رایینو، همان: ۲۷). هرچند این قرارداد یک-سویه دوام چندانی نداشت، اما رویکرد سیاست‌های اقتصادی کشورهای صاحب منافع به ویژه روسیه را جهت رقابت در این زمینه را تحت تأثیر قرار داد. بی‌کفایتی حاکمان محلی و

عدم راهکارهای مناسب جهت احیا صنعت رو به زوال ابریشم، تجارت ابریشم را از دست تجار داخلی خارج و فرصت را برای حضور بازرگانان خارجی فراهم ساخت و به زودی بازار ابریشم در اختیار آنان قرار گرفت. هرچند تولیدکنندگان و تجار داخلی سعی داشتند تعیین قیمت ابریشم گیلان را در دست داشته باشند، اما به دلیل وابستگی‌ها و وام‌های مکرری که تجار داخلی از نمایندگان روس دریافت کرده بودند، این فرصت را برای آن‌ها ایجاد کرد تا ارباب بلامنازع در بازار تجارت گیلان شوند. در نامه‌ها و اسناد کوچک مکاتبات بسیاری در خصوص پرداخت تنخواه به مالکان گیلان دیده می‌شود و بیشتر مکاتبات مذکور حول تأدیه مطالبات از ملاکین و رعایای بومی است. در یکی از این نامه‌ها آمده است: «امسال مبلغ ده دوازده هزار تومان بنده و حاجی میرزا رفیع قرض به عمل آمده، برنج و ابریشم هم مضنه ندارد...» (نوزاد و علی امیری، همان: ۱۲۹). این نامه بازگوکننده تأثیر مرادوات مالی ملاکین و کنسولگری روسیه بر محصولات بومی از جمله ابریشم است؛ بازپرداخت استقراض از کنسول روسیه توأم با سود پول مذکور عمدتاً با تحویل کالا صورت می‌گرفت و در واقع ملاکین گیلان به نوعی خدمتگزار کنسولگری روسیه بودند و جزیی از مستعمره آن‌ها محسوب می‌شدند (یاوری، ۱۳۵۹: ۲۱). کلیه امورات مربوط به صنایع کشاورزی به-تدریج وابسته شد و بازار آن توسط کنسولگری‌های مستقر در گیلان هدایت می‌شد. در یکی از اسناد مربوط به ابریشم، وزیر مختار روسیه از وزیر امور خارجه این کشور تقاضا می‌کند که بر اساس قراردادهای تجاری ایران، روسیه از دولت ایران تقاضای کاهش گمرک ابریشم نموده و همچنین همین مبلغ اندک نیز اجباری به پرداخت در رشت نباشد (قاضیها، ۱۳۸۰: ۱۱۹ و ۱۲۰). این سند نشان می‌دهد که دولت روسیه خواهان انحصار کامل این کشور بر تجارت ابریشم گیلان بوده است. انتر معتقد است یکی از مهم‌ترین دلایل خروج یونانی‌ها و فرانسوی‌ها از تجارت ابریشم گیلان، سرمایه‌گذاری عظیم بانک استقراضی روس در خرید ابریشم خام گیلان بود. بانک استقراضی با اعطای پیش‌پرداخت و وام‌های متعدد سعی نمود ابریشم خام را در کوتاه‌مدت با بهترین قیمت خریده، سپس انحصار این کالا را از تجار یونانی و فرانسوی خارج نموده و در اختیار تجار روس و ارمنی‌ها قرار دهد (انتر، ۱۳۶۹: ۸۵). معروف‌ترین کمپانی روسی-ارمنی، تجارتخانه تومانیانس بود که شبکه قدرتمندی از بنگاه‌های اقتصادی در گیلان و آذربایجان را با حمایت روسیه مدیریت می‌نمود و ابریشم

گیلان را به روسیه و اروپا صادر می‌کرد (شاهدی، ۱۳۸۱: ۲۲۲-۲۲۵). این تجارتخانه در واردات تخم نوغان در سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۹ ق. / ۱۹۰۷-۱۹۱۱ م. نقش اساسی داشته است (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴). با آن که تجارتخانه تومانیانس مرکز خود را نخست در تبریز قرار داده بود، اما بخشی از فعالیت‌های خود را در نوار ساحلی جنوبی کاسپین قرار داد و علاوه بر انحصار بانکداری این پهنه، تجارت ابریشم نیز به عنوان بخشی از تجارت سودآور آنان مورد توجه قرار گرفت (املشی و آدینه‌وند، ۱۳۹۶: ۱۰۷). تجارتخانه تومانیانس در عرصه نظام بانکداری و تجارت ابریشم شمال ایران از حمایت‌های همه‌جانبه برخوردار بود و این مسأله یکی از دلایل رشد این کمپانی در ایران شد (فشاهی، ۱۳۶۰: ۲۲۶ و ۲۲۷).

روس‌ها در اواخر عصر قاجار ایران را دارای دولتی مستقل به‌شمار نمی‌آوردند. از این رو، گیلان را به عنوان سرزمینی بیگانه تلقی نکرده و بخشی از قلمرو خود می‌دانستند (کازم-زاده، ۱۳۷۱: ۶۴۸).

علاوه بر عوامل یاد شده که سبب رکود صنعت ابریشم و نفوذ بازرگانان خارجی در تجارت ابریشم ایران گردید، بحران‌های داخلی دوره قاجار که در نتیجه نارضایتی مردم شکل گرفت، عاملی دیگر بر بی‌ثباتی صنعت و تجارت در ایران بود. برخی از مناطق مانند گیلان، آذربایجان، سیستان و غیره در مخالفت با بیگانگان به مبارزه برخاستند که در نهایت به بروز جنبش‌هایی چون مشروطه و جنگل منجر گشت. با توجه به آنچه که گفته شد، مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر روند تجارت و کشاورزی گیلان در عصر قاجار را می‌توان در دو محور مورد بررسی قرار داد.

۱) بروز ناامنی و بی‌ثباتی اجتماعی و اقتصادی در اواخر عصر قاجار

فعالیت‌های نظامی و سیاسی انگلستان و بلشویک‌ها در گیلان و کشمکش‌های آنان با جنگلی‌ها سبب تشدید ناامنی اوضاع اقتصادی و اجتماعی گیلان شد؛ به‌گونه‌ای که به استناد بسیاری از اسناد تاریخی، بارها تجار گیلان مورد غارت قرار گرفته‌اند. در گزارش یکی از تجار گیلان درباره اوضاع آشفته این دوره آمده است: «قریب یک هزار و چهارصد تومان جنس [ابریشم] داشتم همه را بردند» (سازمان اسناد ملی، سند ش ۴۷، ک ۱۶۹۲). در نتیجه آشوب و هرج و مرج، مراودات تجاری داخلی دچار اختلال شده بود و اغلب مطالبات تجار

غیرقابل وصول و تأدیبه بود؛ به گونه‌ای که تجار، نگرانی و ناراحتی خود را به دولت مرکزی بارها اعلام کرده و نوشته‌اند: «قریب هفت‌هزار تومان مطالبات از سندی و بیع شرطی در کسما و اطراف آن دارم؛ جرأت ندارم بروم کسما وصول نمایم» (همان). در سند دیگری از اداره نظمییه رشت اشاره به ولد حاج محمد صراف شده است. وی می‌نویسد: «پدرم اداره پپله به مشارکت سقالیدیس در چکوور^۱ داشت. من با میرزاعلی، آدم او قرار شد برویم اداره آنجا را برچینیم، مجاهدین مانع شدند» (سازمان اسناد ملی، سند ۵۴ ش، ک ۱۶۹۲). در نهایت کارخانه مذکور در غیاب میرزا امان‌الله، مباشر حاج معین‌الممالک شبانه برچیده و با کرجی به رشت منتقل شد. با گسترش جنبش جنگل و تسلط جنگلی‌ها بر گیلان، تجار بسیاری جهت حفظ منافع خود همراه جنگلی‌ها شدند. «در شهر رشت و اطراف صدی نودوپنج از افکار عامه طرفدار جنگلی‌ها شده و کم‌کم متنفذین و ملاکین معتبر که عدم موفقیت اردوی دولتی را یقین می‌نمودند محرمانه در صدد پیدا کردن روابط با جنگلی‌ها بوده و با این ترتیب می‌خواستند آتیه خود را تأمین و املاک خود را در تحت حمایت وارد آورند» (سازمان اسناد ملی، سند ش ۱۳۲، ک ۱۶۹۶). در این زمان، تجارتخانه استیونس^۲ نیز که کالاهای تجاری خود را از طریق تجارتخانه تومانیانس^۳ از گمرک انزلی خارج می‌کرد، به دلیل نفوذ بلشویکی - ها در انزلی دچار اخلال شد. «بلشویک‌ها انزلی را بمباران کردند بعد وارد انزلی شده کلیه انبارها و بارها را توقیف کردند... بعد از چند روز دیگر میرزا کوچک خان وارد رشت شد و بارها را به رشت خواست در همان وقت چهار عدل^۴ آن را بلشویک‌ها سرقت کردند» (سازمان اسناد ملی، سند ۱۶۳، ت ۳۲۸/۵۱). بعدها در دوره سلطنت رضاشاه با سیاست‌های اقتصادی دولت، بهبودی نسبی در تولید و تجارت ابریشم ایجاد شد.

۱. چکوور یکی از روستاهای ناحیه گسکرات و از توابع شهرستان صومعه‌سرا است.

۲. هیلد براند استیونس، پسر فرانسیس استیونس تاجر ابریشم بود که در سال ۱۸۷۵م. از عثمانی به ایران آمد. او یکی از معدود انگلیسی‌هایی بود که در کمپانی زیگلر خدمت می‌کرد. استیونس پس از مدت کوتاهی تجارتخانه‌ای در تبریز تأسیس نمود و به انجام مبادلات تجاری پرداخت.

۳. هاراتون تومانیانس در ۱۲۵۷ ه.ش تجارتخانه خود را در تبریز تأسیس نمود. این تجارتخانه نخستین مرکزی است که در ایران به کار صرافی و صادرات و واردات با روسیه پرداخت و در سال ۱۳۰۹ به‌طور رسمی وارد کار صرافی و بانکداری شد. این خاندان علاوه بر این مشاغل، در زمینه تجارت ابریشم نیز فعال بودند (واهانیان، ۱۳۷۸: ۶۲).

۴. ابریشم به شکل کلاف تولید می‌شود. به مجموعه چند کلاف معادل ۴ کیلوگرم یک بقچه گفته می‌شد و به مجموعه چند بقچه که در داخل یک سبد حصیری (ظرف مخصوص حمل ابریشم) قرار می‌گرفت، یک عدل گفته می‌شد.

۲) تأثیر نظام تولید و توزیع در عرصه اقتصادی و کشاورزی

نظام تولید و توزیع، یکی از عوامل مؤثر در تجارت ابریشم در ایران و گیلان بوده است. یکی از عوامل ناکارآمدی انقلاب مشروطه، عدم تغییر در نظام زمین‌داری بود. این مسأله در دوره جنبش جنگل یکی از دلایل همکاری دهقانان با جنگلی‌ها بود. در برابر این جریان‌ها همواره حکومت مرکزی سیاست‌های سرکوب در پیش گرفت. در دوره سوم جنبش جنگل یعنی از اردیبهشت ۱۲۹۸ خ، آن‌ها با غلبه بر ملاکین، املاک وسیعی به تصرف درآوردند و میان رعایا تقسیم کردند. همچنین عوارض زمین‌داری و بیگاری منسوخ و کمیته‌هایی برای شکایات رعایا تشکیل شد (ازکبا، ۱۳۶۶: ۶۶). سیاست‌های بلشویک‌ها ضربه بزرگی بر کاهش تولید ابریشم در این دوره بود. هرچند رویکرد جنبش جنگل در سال‌های آغازین در تضاد با منافع مالکان بزرگ نبود؛ با این وجود، تحولات جنبش جنگل پس از اردیبهشت ۱۲۹۸ خ. در راستای تفکر بلشویکی قرار گرفت و آن‌ها آرمان‌های جنبش را در مسیر اهداف خود قرار دادند. این مسأله نقش مؤثری در نارضایتی دهقانان گیلانی داشت.

تأثیر تجارت ابریشم بر تعامل و تقابل ایران با روسیه و بریتانیا

مسیر دریایی کاسپین، با توجه به پیشینه تاریخی، مهم‌ترین مسیر تجاری ایران با اروپا به‌شمار می‌رفت و از دیرباز دولت‌های اروپایی جهت کسب منافع تجاری در ساحل این دریا به رقابت با یکدیگر می‌پرداختند. این کشمکش‌ها به‌ویژه در دوره صفویه و هم‌زمان با رونق گرفتن تجارت ابریشم به اوج خود رسید. روس‌ها به دلیل همجواری با ایران، همیشه یک گام پیش‌روتر از رقبای اروپایی خود بودند. در این دوره، ادواردز که مأمور خرید ابریشم و نماینده روسیه در ایران بود، در رشت اقدام به تأسیس تجارتخانه کرد (راینو، ۱۳۷۲: ۲۳). اسناد و مدارک بسیاری وجود دارد که نشان‌دهنده توجه بازرگانان روسیه به تجارت ابریشم در مناطق شمال ایران به‌ویژه در گیلان است. در سال ۱۸۳۶ م/ ۱۲۵۲ ق، روس‌ها نسبت به عوارض گمرکی در مورد صادرات ابریشم اعتراض کردند. گویا در این زمان افزون بر عوارض پنج درصد، عوارض دیگری نظیر راهداری از بازرگانان روس دریافت می‌شد و این مسأله سبب نارضایتی آن‌ها شده بود؛ در نتیجه خواستار حذف عوارض اضافی شدند (مرکز اسناد دیپلماتی سند ش ۲۸/۴۸ شوال ۱۲۵۲). بازرگانان روس، ابریشم گیلان را از مسیر

انزلی و دریای کاسپین و از راه خشکی تبریز- تفلیس به روسیه حمل می‌کردند. کنت دوسرسی درباره اهمیت ابریشم گیلان در سیاست خارجی روسیه و نگاه این کشور درباره این سرزمین بر این عقیده بود که اهمیت دستیابی بر ابریشم باعث می‌شد تا روسیه اندک- اندک این ناحیه را از آن خود کند؛ زیرا میلیون‌ها روبل درآمد از این مسیر کسب می‌کرد (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۰۴).

میرزا مسعودخان، وزیر امور خارجه ایران، در تاریخ سوم ذی‌قعدة ۱۲۵۳، در پاسخ و شرحی که درباره تجارت ابریشم گیلان و پرداخت عوارض گمرکی نوشت، تأکید کرد که جز عوارض پنج درصد، مبلغ دیگری دریافت نشود (حسنی، ۱۳۹۶: ۱۰). به گزارش نماینده تجاری فرانسه که در نیمه قرن ۱۹م. در تفلیس به سر می‌برد، درباره نیاز روسیه به ابریشم و صادرات می‌نویسد: «در روسیه سالانه بالغ بر ۴۲۰۰۰۰۰۰ فرانک ابریشم‌جات تهیه می‌شود که تقریباً قسمت اعظم آن در خود روسیه مورد استعمال دارد. برای تهیه پارچه‌های ابریشمی، دولت روسیه از ابریشم گرجستان و گیلان و ایتالیا استفاده می‌نماید» (تاجبخش، ۱۳۶۲: ۱۱). با وجود تمهیدات و امتیازاتی که دولت ایران در زمینه تجارت ابریشم به روس‌ها داده بود، انگلیسی‌ها نیز تمایل به تجارت ابریشم گیلان و برخورداری از این امتیاز بودند. اتخاذ سیاست‌های روسیه و انگلستان برای تصاحب منافع اقتصادی سواحل جنوبی دریای کاسپین همواره موجب ایجاد تنش‌های گوناگون بوده است. تحولات سیاسی حوزه کاسپین، از جمله قرارداد ترکمانچای و تصاحب حق کشتیرانی روس‌ها در آن، مهم‌ترین مسأله سیاسی مؤثر در تحولات قرن معاصر به‌شمار می‌رود. گیلان به دو دلیل همجواری با روسیه و ابریشم‌خیز بودن، نخستین مقصد هژمونی روسیه به ایران محسوب می‌شد و به همین جهت بارها به اشغال روسیه درآمد. اما با همه تلاطم‌ها، رونق تجاری گیلان تحت تأثیر منافع روسیه و انگلستان در این جغرافیا نیز می‌باشد؛ به نحوی که از راه‌های ارتباطی به گیلان به عنوان راه‌های تجاری مهم ایران نام برده می‌شود. در نتیجه، راه ارتباطی بین تهران به انزلی از طریق قزوین و رشت منجر به افزایش عبور مسافری به اروپا از خط انزلی باکو شد (لنگرودی، ۲۰۱۲: ۱۱). این مسأله موجب افزایش تجارت داخلی و خارجی و به تبع آن رونق اقتصادی ابریشم گیلان نسبت به گذشته گشت. در نتیجه، هرچند همسایگی گیلان با روسیه زمینه نفوذ آن کشور را در گیلان فراهم کرد، اما گیلانیان از این مجاورت بهره‌مندی‌های زیادی عایدشان شد.

اهمیت تجارت ابریشم گیلان سبب شده بود تا مستشاران خارجی که به ایران مسافرت می‌کردند، به طمع کسب منافع اقتصادی، وارد این میدان رقابتی شوند. روس‌ها پس از انعقاد قرارداد ترکمانچای، نه تنها از منافع تجاری بازار ایران دست برنداشتند (محمود، ۱۳۴۴/۱: ۲۹۴)، بلکه به موجب آن، بهانه مختلفی را جهت حضور سیاسی و اقتصادی در ایران یافتند. حضور کوچکو در نیمه نخست سده نوزدهم م. پس از انعقاد معاهده ترکمانچای و اقدامات او در گیلان، نشان‌دهنده نفوذ روسیه در گیلان است. کوچکو در گزارشی درباره وضعیت ابریشم گیلان در اوایل سده نوزدهم م. نوشته است: «چون سرِ نوغان است و کرمی ابریشم هم خیلی دیر شده است، اگر زودتر نروم، ضرر کلی به بنده خواهد خورد. یقین می‌دانم امیدگاهی‌ام صاحب، راضی به ضرر بنده نخواهد شد، خیلی بد اتفاق افتاده، امیدگاهی‌ام صاحب این سمت‌ها تشریف بیاورند، بنده نتوانم خدمت برسم و ...» (نوزاد و علی امیری، ۱۳۹۱: ۳۸). این گزارش نشان می‌دهد که یکی از مأموریت‌های کوچکو، سرمایه‌گذاری دولت روسیه در تجارت ابریشم گیلان بوده است. وی حتی از برخی تجار ابریشم گیلان در اسناد خود نام برده است و درباره نحوه تعامل خود با آن‌ها شرح مبسوطی ارائه می‌دهد (نوزاد و علی امیری، همان: ۵۴). در اسناد کوچکو گزارش‌هایی مبنی بر پرداخت تنخواه توسط کنسولگری روسیه به صورت وام با وثیقه ابریشم به تولیدکنندگان و تاجر وجود دارد و این مسأله نشان می‌دهد که روس‌ها با این سیاست‌ها قصد داشتند تا تجارت ابریشم گیلان را در انحصار خود قرار دهند. در یکی از این گزارش‌ها آمده است: «بنای چاره امر ایشان را در نظر داشتیم که ساموئل بک آمد، و ابریشم هم به دست آمد، قرار دادیم هفتاد هزار برات داران، وجه ایشان برسد، پس از آن تنخواه سایر برات داران را بدهند و ابریشم را هم در حجره علیجاه خیر الحاج حاجی آقا به دستیاری گرگین تاجر سپردم، ... ابریشم را که به حمدالله ضابطه نموده و در حجره گذاشته، نخواهم گذاشت که کسی دست به ابریشم بزند، در این صورت مهلت یک ماهه زائد بر اصل است» (همان: ۷۰). مهم‌ترین مسأله‌ای که در این سند مورد توجه قرار می‌گیرد، تلاش روس‌ها در جذب منافع تجارت ابریشم گیلان است و به همین دلیل با بدهکار نمودن تاجر گیلانی، محصولات آینده آن‌ها را پیش‌خرید کرده و بدین ترتیب فرصت کسب منافع تجارت خارجی را از ایران سلب نمودند. به گزارش کرزن، در دوره قاجار، محصولات ابریشم گیلان عمدتاً به روسیه و مقداری نیز به ماری فرانسه صادر می‌شد (کرزن، همان: ۴۸۶).

در یکی از اسناد موجود در وزارت امور خارجه ایران، به تلاش روس‌ها که تأییدکننده دیدگاه‌های کوچکو درباره انحصار تجارت ابریشم توسط آن‌ها است، اشاره مستقیم شده است: «وزارت امور خارجه به ریاست نصرالله مشیرالدوله، طی یادداشتی به منظم‌الملک، کارگزار گیلان تأکید کرد که رعایای گیلان و تجاری که در تجارت و فروش تخم نوغان با اتباع روسی، قرارداد می‌بندند باید به مهر دولتی ممه‌هور شود تا معتبر گردد. در ضمن سند معاملات آنها در کارگزاری مه‌ام خارجه، به امضا و مهر دولتی برسد تا مشکلاتی بر اتباع آن منطقه به وجود نیورد» (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ش سند ۱۸-۲۹-۱۳۷۱ق). این سند نشان می‌دهد که کارگزاران دولتی گیلان سیاست مشترکی جهت انحصار تجارت ابریشم داشتند.

تغییر مسیر تجارت ایران از شمال به جنوب و تأثیر آن بر تجارت ابریشم

با آغاز سده نوزدهم میلادی، انگلیسی‌ها تلاش داشتند با انعقاد تفاهم‌نامه‌های اقتصادی، جایگاه ویژه‌ای در تجارت خارجی حکومت قاجاریه به دست آورند. به همین منظور، جان مالکوم^۱ افسر کمپانی هند شرقی برای عقد قرارداد بازرگانی و سیاسی به ایران آمد (رایت، ۱۳۶۴: ۱۹۰). این قرارداد نقش مهمی در آینده سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان در دوره‌های بعد داشت. به موجب این پیمان بازرگانی، تجار دو کشور می‌توانستند آزادانه در خاک یکدیگر رفت‌وآمد کنند و به بازرگانان انگلیسی و هندی اجازه اقامت در کلیه نقاط ایران داده شد و از پرداخت هر گونه مالیات و عوارض معاف شدند (مه‌دوی، ۱۳۹۳: ۲۰۵). این قرارداد به دو دلیل هیچ‌گاه به طور رسمی عملی نشد. نخست اینکه ایران در سال ۱۸۰۷م، پس از برقراری رابطه با فرانسه آن را لغو کرد. و دوم آنکه قتل ناگهانی پل اول تزار روسیه در ۲۳ مارس ۱۸۰۱م، سبب شد تا نقشه حمله روس‌ها به هندوستان منتفی شود و انگلیسی‌ها که جهت حفاظت از مستعمره هند، پیمان‌نامه مذکور را با ایران به امضا رسانده بودند، آن را ملغی اعلام کنند و از تصویب آن خودداری نمودند. اما این رابطه به ظاهر دوستانه، در آینده ره‌آوردی جز عهدنامه‌های پی‌درپی برای تاریخ ایران دربر نداشت و افرادی چون سرگور ازلی، فریزر و موریر نگاهی بدبینانه به ایران داشتند. پس از فروپاشی

۱. John Malcom

امپراطوری ناپلئون و برقراری آرامش نسبی در اروپا، نگرانی انگلیسی‌ها از تهدید هندوستان برطرف شد و دیگر نیازی به ارتباط دوستانه با ایران نبود. از طرفی، بُعد مسافت ایران با اروپا نیز مزید علت شد تا بازارهای دیگر چون استانبول رونق یابند و تجارت میان ایران و اروپا کم‌رنگ‌تر شود. در این زمان، تنها تاجر انگلیسی در ایران، نماینده کمپانی هند شرقی بود که در بوشهر به سر می‌برد و پس از لغو انحصار تجارت کمپانی در خلیج فارس در سال ۱۸۱۱م. تا مدت‌ها شرکت‌ها و مؤسسات انگلیسی در بوشهر و نقاط دیگر مستقر نگردیدند (رایت، همان: ۱۸۹). راه تجاری متداول دوره صفویه یعنی دریای کاسپین نیز بر اثر جنگ‌های ایران و روس مورد استقبال بازرگانان نبود و از طرفی، انگلیسی‌ها در پی تضعیف مسیر تجاری کهن خاورمیانه بودند؛ به همین سبب بازرگانان اروپایی به‌ویژه انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند از طریق مسیر دماغه نیک کالای خود را به آسیا منتقل کنند. در ابتدا، اروپاییان برای تجارت با هند و آسیا می‌بایست راه‌های خاورمیانه را بیمایند، اما با کشف راه دریایی [دماغه نیک]، آن‌ها می‌توانستند به‌طور مستقیم و در زمان کمتری به هند و آسیا برسند. این سفر هرچند باعث ترقی شبکه تجاری کشورهای نزدیک به اقیانوس اطلس و پس از قرن‌ها سبب کاهش رونق شبکه تجاری خاورمیانه و کشورهای مدیترانه‌ای شد، اما برای تجار اروپایی هزینه زیادی به همراه داشت؛ زیرا کالاهای تجار برای رسیدن به ایران می‌بایست راه طولانی دماغه امیدنیک تا بمبئی را پیموده و از آنجا به ایران فرستاده شوند. کالاهای انگلیسی به صورت محدود توسط تجار یونانی و انگلیسی ساکن استانبول به شمال ایران فرستاده می‌شدند که پس از تخلیه در بنادر دریای سیاه از طریق تفلیس - تبریز و یا دریای کاسپین به بندرانزلی، به ایران می‌رسیدند (رایت، همان: ۱۹۰). بنابراین این مسیر نیز منافع تجاری انگلیسی‌ها را تأمین نمی‌کرد و آن‌ها به دنبال راه‌حل بهتری برآمدند تا دسترسی به آبراه شمال را نزدیک‌تر کند و از حیث اقتصادی هم کم‌هزینه‌تر باشد. این مسیر مطلوب، راه دریایی مدیترانه و دریای سیاه و راه خشکی عثمانی، گرجستان بود. هارفورد جونز در سال ۱۸۰۹م. به وزارت امور خارجه توصیه نمود تا راه قدیمی و کاروان‌رو طرابوزان و ارزروم تبریز را مورد توجه قرار دهد که حداقل سیصد کیلومتر از راه گرجستان که در قلمرو روسیه قرار داشت، کوتاهتر بود (همان: ۱۹۱). دولت مرکزی ایران نیز از این سیاست انگلیسی‌ها استقبال نمود و عباس میرزا ولیعهد تجارت از راه طرابوزان را مورد توجه قرار داد؛ زیرا از این راه

قدیمی می‌توانستند برای حمل‌ونقل مهم‌ترین کالای تجاری آن روزگار یعنی ابریشم و سایر محصولات ایران بهره‌برداری کنند (همان: ۱۹۲). اما این مسأله تا سال ۱۸۳۰م، به دلیل عدم تمایل عثمانی جهت گشودن بنادر خود بر روی کشتی‌های خارجی تحقق نیافت و پس از قرارداد «ادرنه» مرتفع گردید. در آن زمان، استانبول عمده‌ترین پایگاه پخش کالاهای اروپا در خاورمیانه بود و هنگامی که در سال ۱۸۳۶م. کشتی‌های بخار کار خود را آغاز کردند، پیمودن این راه دو هفته به طول می‌انجامید (همان). عمده‌ترین کالای وارداتی به تبریز، منسوجات بافت منچستر بود که پس از انقلاب صنعتی در اروپا رشد چشمگیری داشت و در مقایسه با کالاهای سنتی موجود در بازار ایران، به دلیل مرقون‌به‌صرفه‌بودن و ظرافت در بافت مورد توجه قرار می‌گرفت و با افزایش تقاضا روبه‌رو می‌شد. با وجود اینکه مسیر ترابوزان - تبریز رونق چشمگیری پیدا کرده بود، اما انگلیسی‌ها در صدد برآمدند تا در مسیر توسعه منافع تجاری خود، مستعمرات هندوستان را وارد عرصه تجارت جهانی نمایند؛ در نتیجه، در سال ۱۲۳۸ه.ق. / ۱۸۲۳م. روابط سیاسی خود را با ایران قطع و به‌طور مستقیم با هندوستان ارتباط برقرار نمودند (محمود، ۱۳۴۴ / ۱: ۲۵۵). تلاش‌های تجار مستقر در هند برای ایجاد رابطه تجاری با ایران سبب شد تا سیاست انگلستان در سال ۱۸۴۱م. تغییر جهت یابد؛ به طوری که حتی در خط سیر کلی تجارت ایران خاصه تجارت ابریشم تأثیر مستقیم گذاشت. در این زمان، دولت انگلستان ادامه روابط سیاسی خود را مشروط به انعقاد یک قرارداد تجاری نمود. انگلستان بدون نیل این قرارداد در مقابل روسیه وضع نگران‌کننده‌ای داشت؛ چرا که دولت روسیه طبق عهدنامه ترکمانچای موفقیت‌های تجاری مهمی به‌دست آورده بود که نمونه آن حقوق گمرکی صادراتی بود (رایت، همان: ۱۹۰). براساس عهدنامه ترکمانچای که در سال ۱۸۲۸م. بین ایران و روسیه بسته شد و در واقع قرارداد تحمیلی بود که نظام سرمایه‌داری و تجاری ایران را تحت شعاع قرار داد، دو دولت موظف شدند: «اتباع خود را از جمله منافع و فوایدی که از آزادی و رخصت تجارت حاصل می‌شود، بهره‌مند دارند» و از هر مال‌التجاره اتباع دو دولت «در وقت داخل شدن و بیرون رفتن هر دو، یک دفعه پنج از صد گمرک گرفته می‌شود» این قانون به صورت الگوی قرارنامه‌های بازرگانی درآمد و انگلیس به زحمت و تکاپوی زیاد توانست همان امتیاز را بگیرد» (آدمیت، ۱۳۴۸: ۳۹۶). بر اساس شواهد تاریخی، تا زمانی که قائم مقام بر مسند صدارت بود، هیچ‌گاه تن به

این پیمان نداد و معتقد بود این تجارت «وسیله نابودی تدریجی این مملکت فقیر ناتوان می‌شود»؛ زیرا پس از انعقاد قرارداد ترکمانچای، منافع تجاری دریای کاسپین به روس‌ها رسید. انگلیسی‌ها این شرایط که ظاهراً به زیان‌شان بود، فرصت شمردند و تصمیمی که به موجب آن اتخاذ نمودند، در عرصه تجاری و سیاسی ایران بسیار تأثیرگذار شد. «انگلستان به موجب عهدنامه ۱۲۵۷ ه.ش. و اصل «دولت‌های کامله‌الوداد» حق آزادی تجارت را به زور گرفت» (آدمیت، همان). در وهله بعد نیز جهت تضعیف راه تجاری دریای کاسپین، در صدد رونق بخشیدن به راه تجاری جنوب یعنی بوشهر به هندوستان شدند. بدین ترتیب، معاهده ترکمانچای به دلیل اینکه مانع کسب منافع انگلیسی‌ها شده بود، به‌طور غیر مستقیم بهانه‌ای شد تا انگلیسی‌ها مسیر تجاری ایران را از شمال به سمت جنوب معطوف سازند و همین تقسیم منافع جغرافیایی مقدمه بروز قرارداد ۱۹۰۷ م. بین ایران و انگلیس و روسیه شد.

انگلیسی‌ها از توجه به تجارت جنوب ایران، دو هدف را دنبال می‌کردند:

- ۱) مستعمره کردن هندوستان و تبدیل آن به مقصد اصلی تجارت ایران.
- ۲) تغییر خط سیر تجارت ابریشم ایران از مرکز ایران کرمان، یزد و اصفهان به بوشهر و بندعباس و در نهایت هندوستان.

به دلیل امتیازات انحصاری روس‌ها در شمال ایران که از پیامدهای عهدنامه ترکمانچای بوده است، انگلیسی‌ها نیز مایل به انعقاد قراردادی تجاری همچون قرارداد ترکمانچای با ایران بودند که این طرح با مخالفت میرزا ابوالقاسم قائم مقام در عهد محمدشاه ناکام ماند (محمود، همان: ۵۱۴). با وجود این، در این رقابت انگلیسی‌ها گوی سبقت را در مرکز ایران و روس‌ها در شمال از یکدیگر ربودند. کرزن به نقل از سرجان شیل، وزیر مختار بریتانیا در سال ۱۸۵۰ م. نوشته است: «ابریشم کالای عمده تجارت ایران است بخصوص در تجارت خارجی که در نتیجه او را قادر می‌سازد بهای قسمتی از واردات خود را پرداخت کند. وی اشاره به اقداماتی نمود که تجار انگلیسی برای بهبود این محصول کرده بودند، اما به واسطه سستی ایرانیان و اکراه آن‌ها در تغییر دادن طرز کار کهنه خود زحمات ایشان بی‌نتیجه ماند» (کرزن، همان: ۱/۴۸۵). توسعه راه‌های ایران توسط روس‌ها و انگلیسی‌ها عامل اصلی توسعه صادرات ایران در قرن نوزدهم شد و عاملی در گسترش مناسبات تجاری ایران بود.

«روس‌ها تمام توجه خود را بر راه‌سازی در کشور متمرکز کردند. آن‌ها میان سال‌های ۱۸۹۳ تا ۱۹۱۴ م. (۱۲۷۲ - ۱۲۹۳ ش.) نزدیک به ۵۰۰ مایل راه ساختند (آوری، ۱۳۸۷: ۲/ ۴۹۴). با گسترش راه‌ها، سرمایه‌داران بریتانیایی، روسی و آلمانی به سرمایه‌گذاری در ایران روی آوردند. مهم‌ترین این سرمایه‌گذاری‌ها متمرکز در صنعت فرش و ابریشم و منسوجات ایران بود و بازارهای رشت و تبریز و اصفهان رونق خود را مدیون آن‌ها بودند؛ تا جایی که تجار داخلی به شدت وامدار آنان شدند. اما توسعه صنعت ابریشم به صورت کارخانه‌ها و کارگاه‌های بزرگ سبب دگرگونی در مراکز سنتی ابریشم شد. یکی از نتایج سرمایه‌گذاری کشورهای خارجی بر صنعت ابریشم گیلان و ایران، عدم توانایی رقابت تجار داخلی در برابر آنان بود؛ به گونه‌ای که تلاش‌های امین‌الضرب جهت راه‌اندازی کارخانه ابریشم‌کشی رشت، با وجود اینکه مدتی به فعالیت خود ادامه داد، منجر به ناکامی اقتصادی و ورشکستگی وی شد (ترابی‌فارسانی، ۱۳۹۲: ۴۸).



نتیجه‌گیری

با وجود اینکه ایران در عصر قاجار، به دلیل شکست‌های متعدد در برابر روس‌ها و حتی انگلیسی‌ها، عملاً از نظر اقتصادی نیز تحت تسلط این دولت‌ها قرار گرفت، اما در زمینه ابریشم، با وجود کم‌کاری‌های حکومت و حاکمان داخلی، به جهت گسترش بیماری‌های مختلف در زمینه کرم ابریشم در اروپا و از بین رفتن محصولات آن‌ها به مدت چند دهه، سبب توجه قدرت‌های جهانی به ذخایر ارزشمند ابریشم گیلان شد. در نتیجه افزایش تقاضا در بازار ابریشم جهانی معطوف به ابریشم گیلان و ایران گردید. همین امر سبب شد تا صنعت ابریشم جدا از دیگر صنایع ایران مورد توجه قرار گیرد. این کامیابی چندان به درازا نکشید؛ زیرا در نتیجه واردات تخم نوغان آلوده و شیوع بیماری در نوغان و توتستان‌های گیلان، این سرزمین با وجود بستر مناسب تولید ابریشم، با مشکلات جدی مواجه گشت. با این حال، بازرگانان خارجی جهت حفظ منافع تجاری خود در ایران، مبادرت به واردات تخم نوغان از سرزمین‌های شرقی نمودند. تجارت تخم نوغان فرصت جدیدی برای نفوذ در بازار سرمایه ایران و کسب منافع آن شد. روس‌ها به دلیل همجواری با ایران و انگلیسی‌ها جهت حفظ منافع مستعمرات خود در کسب این منافع پیشتاز بودند. حضور روسیه و انگلستان در بازار رقابتی ابریشم، پیامدهای گوناگونی را به همراه داشت. توسعه راه‌های ایران مهم‌ترین پیامد مثبت روابط ایران با روسیه و انگلستان محسوب می‌شود. از طرفی، نزاع‌های داخلی ایران به ویژه جنبش جنگل که در جغرافیای ابریشم‌خیز ایران رخ داد، سبب رکود بیش از پیش صنعت ابریشم در سطح کلان جغرافیای ایران و در سطح خرد جغرافیای گیلان شد؛ تا جایی که خسارات ناشی از بین رفتن توتستان‌ها، صدمه جبران‌ناپذیری به عموم مردم گیلان که معیشتی وابسته به ابریشم داشتند، وارد کرد. تجار داخلی و امدار سرمایه‌گذاران خارجی به ویژه کنسولگری روسیه شدند و صنعت ابریشم در اواخر قاجار با تغییر کاربری توتستان‌ها و شیوه تولید کشاورزی که اینک کاملاً وابسته بود، رو به زوال کامل رفت.

منابع

الف) کتاب‌ها

- آدمیت، فریدون (۱۳۴۸)، *امیرکبیر و ایران*، تهران، خوارزمی.
- _____ و ناطق، هما (۱۳۶۵)، *افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی منتشر نشده دوره قاجار*، تهران، آگاه.
- آوری، پیتر (۱۳۸۷)، *دفتر اول از جلد هفتم از مجموعه تاریخ ایران کمبریج (دوره افشار، زند و قاجار)*، ترجمه ثاقب‌فر، تهران، نشر جامع.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۶)، *نقدی بر مطالعات توسعه روستایی در ایران*، مجموعه مقالات کتاب توس، به اهتمام محسن باقرزاده، مشهد، نشر توس.
- انتنن، مروین. ل، (۱۳۶۹)، *روابط بازرگانی روس و ایران*، ترجمه احمد توکلی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار یزدی.
- اورسل، ارنست (۱۳۷۹)، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بوهلر (۱۳۹۰)، *سفرنامه و جغرافیای گیلان و مازندران*، به کوشش م. پ جکتاجی، رشت، فرهنگ ایلیا.
- پورمحمدی‌املشی؛ نصراله، آدینه‌وند، مسعود (۱۳۹۶)، «واکاوی نقش و جایگاه کمپانی برادران تومانیان در وضعیت اقتصادی تجاری ایران عصر قاجار»، *گنجینه اسناد*، سال ۲۷، ش ۳، صص ۶-۲۹.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی.
- تاجبخش، احمد (۱۳۶۲)، *سیاست‌های استعماری روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه در ایران (در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی)*، تهران، نشر اقبال.
- ترابی‌فارسانی، سهیلا (۱۳۹۲)، *از مجلس وکلای تجار تا اتاق ایران*، تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و مرکز امور فرهنگی و نشر.
- جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۹۲)، *گنج شایگان اوضاع اقتصادی ایران*، تهران، نشر سخن.
- حسنی، سید رحمان، «تجارت ابریشم دوره قاجار»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ش ۳۰۸۳، تاریخ چاپ، ۹۲/۰۹/۱۷، کد خبر: DEN-771434.

- _____ (۱۳۸۶)، «تحقیقات تاریخی: ابریشم در عصر قاجار و تجارت آن از طریق دریای خزر با تکیه بر اسناد آرشیوی (۱۳۴۳-۱۳۲۷ق. ۱۸۲۸-۱۹۰۹م)»، *گنجینه اسناد*، ج ۱۷، ش ۳، صص ۷-۲۴.
- دوسرسی (۱۳۶۲)، *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ (سفارت فوق‌العاده کنت دوسرسی)*، ترجمه احسان اشراقی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- رابینو، ه. ل. (۱۳۹۱)، *ولایات دالمرز ایران: گیلان*، ترجمه جعفر خمایی‌زاده، چ ششم، رشت، انتشارات طاعتی.
- رایت، سردیس (۱۳۶۴)، *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*، ترجمه اسکندر دلد، تهران، نشر نهال.
- شاردن، ژان (۱۳۵۰)، *سیاحتنامه شاردن*، ترجمه رضا عباسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شهدی، مظفر (۱۳۸۱)، *تاریخ بانک استقراضی روس در ایران*، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- طباطبایی دیبا، میرزا نصرالله (ناصرالسلطنه) (۱۳۹۰)، *سفرنامه ناصری*، به کوشش رسول جعفریان، تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- عزالدوله-ملگونف (۱۳۶۳)، *سفرنامه ایران و روسیه (نواحی شمال ایران)*، به کوشش محمد گلین و فرامرز طالبی، تهران، دنیای کتاب.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹)، *تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار (از ۱۸۰۰ تا ۱۹۱۴م)*، ترجمه یعقوب آژند، چ دوم، تهران، نشر گستره.
- فرانسواز شبیانی، ژن‌رز (۱۳۹۳)، *سفر اروپاییان به ایران*، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فریزر، جیمزبیلی (۱۳۶۴)، *سفرنامه فریزر*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات توس.
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۶۰)، *تکوین سرمایه‌داری در ایران*، تهران، گوتنبرگ.
- قاضیها، فاطمه (۱۳۸۰)، *اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتحعلی‌شاه و محمد شاه قاجار*، تهران، انتشارات مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۱)، *روس و انگلیس در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- کرزن، ناتانیل جورج (۱۳۴۹)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج اول، چ پنجم، ۱۳۸۰، تهران، شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه.
- لافون؛ رابینو، هل. (۱۳۷۲)، *صنعت نوغان در ایران*، ترجمه جعفر خمایی‌زاده، چ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- محمود، محمود (۱۳۴۴)، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی*، ج دوم، تهران، اقبال.
- مسلمانیان قبادیانی (رحیمی)، بهروز (۱۳۷۸)، *اسنادی از روابط ایران و روسیه از صفویه تا قاجار*، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، نشر امور خارجه.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۹۳)، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*، تهران، امیر کبیر.
- نوزاد، فریدون و امیری، علی (۱۳۹۱)، *نامه‌های گیلان مکاتبات پراکنده از مجموعه‌ی الکساندر خودزکو کنسول روسیه در گیلان در دهه‌ی ۱۸۳۰ میلادی*، رشت، نشر فرهنگ ایلیا.
- واهانیان، روبرت (۱۳۷۸)، *تاریخچه خاندان و تجارتخانه تومانیانس، فصلنامه راه‌آورد گیل*، ش ۲، رشت.
- هولمز، ویلیام ریچارد (۱۳۹۰)، *سفرنامه ساحل خزر*، ترجمه شبنم حجتی‌سعیدی، رشت، فرهنگ ایلیا
- یآوری، احمدرضا (۱۳۵۹)، *شناخت کشاورزی سنتی ایران*، تهران، کتاب.

ب) اسناد

- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، شماره سند ۱۷-۱۰-۱۲۷۹-۱۲۸۰ ق. (سند مربوط به خواجه گریگور، تبعه عثمانی در مورد کارخانه ابریشم کشی ۱۲۷۷ ق.).
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، سند شماره ۲۲-۵-۲۵-۱۳۲۳ (گزارش سفارت ایران در واشنگتن مبنی بر تولید و صادرات نوغان و ابریشم ایران).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند ۴۷، *نظمیه رشت به نظمیه گیلان*، سواد راپرت دائره تامینات، ۱۹ ربیع‌الثانی [ک ۱۶۹۲].
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند ۵۴، *نظمیه رشت به نظمیه گیلان*، ۲۰ ربیع‌الثانی [ک ۱۶۹۲].
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند ۱۳۲، *حکومت گیلان و طوالش به وزارت داخله*، ۲ ربیع‌الثانی، نمره ۹۲۳۴ [ک ۱۶۹۵].
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند ۱۶۳، *محاکمات وزارت امور خارجه*، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۳۹ ه. ق، ۹۱۰۰۴/۵۴، احاله پرونده رضازاده (متهم به تصرف اموال تجارتخانه استیونس).

ج) لاتین

- Panahi & Kohansal (2012), *The importance of guilan silk and its economic significance at Safavid period in Caspian region*, CJES(ISI), June & . Vol. 10 No. 1 pp. 122-129.